

سبک‌شناسی لایه‌ای سروده‌های مَحْرَم کرمانشاهی

سجاد غلامی انجیرکی*، محمد ایرانی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

سال هجدهم، شماره سوم، خرداد ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۰۹، صص ۱۵۳-۱۳۳

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.18.7799>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: سبک‌شناسی از جمله دانش‌های ادبی است که در شناخت ویژگی‌های اثری ادبی و درک بهتر آن تأثیر بسزایی دارد. سبک‌شناسی لایه‌ای یکی از شیوه‌های نوین سبک‌شناسی است که ویژگی‌های برجسته متن را در پنج لایه آوایی، واژه‌ای، نحوی، بلاغی و فکری میکاود. میرزا اسدالله جاویدانی متخلص به مَحْرَم یکی از شاعران خوش‌قریحه قرن سیزدهم هـ ش است و سروده‌های زیبایی از او به یادگار مانده که نشان از توانایی این سخنور دارد. در جستار حاضر تلاش شده است تا سبک‌شناسی لایه‌ای غزلیات مَحْرَم کرمانشاهی بررسی شود.

روش: این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی و تکیه بر منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. جامعه آماری غزلیات مَحْرَم کرمانشاهی است.

یافته‌ها: مَحْرَم کرمانشاهی را میتوان از شاعران پیرو جریان بازگشت ادبی به‌شمار آورد که ویژگی‌های سبکی شعر وی از نظر زبانی، فکری و ادبی همان مختصات سبک عراقی است. زبانی روان و پخته دارد و زبان ادبی و موسیقی شعر مورد توجه شاعر بوده است و وی با اصول و فنون شعر و شاعری آشنا بوده است و در به‌کارگیری عناصر بلاغی از جمله تشبیه، استعاره، کنایه، تناسب، تلمیح، ایهام و جناس برای بیان اهداف خویش، اهتمام ویژه‌ای دارد و ذوق و هنر شاعری خود را به نمایش میگذارد. غزلیات مَحْرَم عمدتاً با هدف توجه به عشق و معشوق و اهمیت جایگاه اوست.

تاریخ دریافت: ۱۲ آبان ۱۴۰۳
تاریخ داوری: ۱۴ آذر ۱۴۰۳
تاریخ اصلاح: ۲۹ آذر ۱۴۰۳
تاریخ پذیرش: ۱۳ بهمن ۱۴۰۳

کلمات کلیدی:

سبک‌شناسی لایه‌ای، مَحْرَم کرمانشاهی، جریان بازگشت ادبی و غزلیات مَحْرَم کرمانشاهی.

* نویسنده مسئول:

Sajad.gholami@razi.ac.ir

۳۴۲۷۷۶۰۵ (+۹۸ ۸۳)

نتیجه‌گیری: زبان و عناصر شعری مَحْرَم روان، پخته، کهن و متأثر از سبک عراقی و پیرو پیشینیان است. دیوان اشعارش را عمدتاً غزلیاتی تشکیل میدهد که به سبک عراقی و پیروی از غزلیات سعدی و حافظ سروده است. مَحْرَم با بهره‌گیری از سنت‌های ادبی و هنر خویش تصویرآفرینی میکند و باعث تقویت زبان شاعرانه خود گردیده است. وی شاعری تصویرگرا و احساسی است که توجهی ویژه در به‌کارگیری صنایع بیانی و بدیعی داشته است و «تشبیه» برجسته‌ترین صورت خیال و مهم‌ترین لایه بلاغی در سروده‌های مَحْرَم است. توجه به عشق و معشوق، مضامین عارفانه و قلندرانه و مضمونهای تعلیمی و اخلاقی از ویژگی‌های فکری غزلیات مَحْرَم کرمانشاهی است و «عشق» درونمایه اصلی غزلیات وی است.



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Layered Stylistic Analysis of Mahram Kermanshahi's Poems

S. Gholami Anjiraki*, M. Irani

Department of Persian Language and Literature, Razi University, Kermanshah, Iran

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 02 November 2024
Reviewed: 04 December 2024
Revised: 19 December 2024
Accepted: 01 February 2024

KEYWORDS

Layered Stylistics, Mahram Kermanshahi, Literary Revival Movement, Mahram Kermanshahi's Ghazals.

*Corresponding Author

✉ Sajad.gholami@razi.ac.ir

☎ (+98 83) 34277605

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Stylistics is one of the literary sciences that significantly aids in understanding the characteristics of a literary work and better comprehending it. Layered stylistics is one of the modern methods of stylistic analysis that examines the prominent features of a text in five layers: phonetic, lexical, syntactic, rhetorical, and intellectual. Mirza Asadullah Javidani, known by the pen name Mahram, was one of the talented poets of the 19th century whose beautiful poems demonstrate his eloquence. This study aims to analyze the layered stylistics of Mahram Kermanshahi's ghazals.

METHODOLOGY: This research has been conducted with a descriptive-analytical approach and is based on library resources. The statistical population includes Mahram Kermanshahi's ghazals.

FINDINGS: Mahram Kermanshahi can be considered a follower of the literary revival movement, with the stylistic features of his poetry in terms of language, thought, and literary aspects corresponding to the Iraqi style. His language is fluent and mature, and he pays attention to the literary language and the music of poetry. He is familiar with the principles and techniques of poetry and shows great diligence in using rhetorical elements such as simile, metaphor, allusion, proportion, ambiguity, and paronomasia to express his objectives, showcasing his poetic talent and artistry. Mahram's ghazals primarily focus on the theme of love and the significance of the beloved.

CONCLUSION: Mahram's language and poetic elements are fluent, mature, ancient, and influenced by the Iraqi style, following the predecessors. His poetry collection mainly consists of ghazals written in the Iraqi style, following the traditions of Saadi and Hafez's ghazals. By utilizing literary traditions and his artistic skills, Mahram creates vivid imagery, enhancing his poetic language. He is an imaginative and emotional poet who pays special attention to using rhetorical and literary devices, with "simile" being the most prominent form of imagery and the most important rhetorical layer in Mahram's poems. The focus on love and the beloved, mystical and ascetic themes, and moral and educational themes are the intellectual features of Mahram Kermanshahi's ghazals, with "love" being the main theme of his ghazals.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.18.7799>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 18	 2	 0

۱. مقدمه

سبک‌شناسی از جمله دانش‌های ادبی است که در شناخت ویژگی‌های اثری ادبی و فهم بهتر آن تأثیر بسزایی دارد. سبک‌شناسان تعریف‌های گوناگونی از سبک‌شناسی ارائه می‌دهند که فصل مشترک همه این تعریف‌ها «تحلیل و تفسیر نقش و تأثیر مسائل زبانی در سخن» است (فتوحی، ۱۳۹۱، ص ۹۲). سبک‌شناسی لایه‌ای یکی از روش‌های نوین سبک‌شناسی است که ویژگی‌های برجسته متن را در پنج لایه آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و فکری مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و بنابراین، هرکدام از لایه‌ها از منظری به بررسی متن می‌پردازند. «این روش را از آن رو که سبک را در پنج لایه آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک بررسی می‌کند، «سبک لایه‌ای» نامیده‌ام. مزیت روش لایه‌ای در آن است که بهره‌گیری از روش‌های متنوع را در هر لایه امکان‌پذیر می‌سازد، وانگهی سهم هر لایه را در برجسته‌سازی متن جداگانه مشخص می‌کند (همان، ص ۲۸). همچنین «وقتی متن را در پنج لایه مختلف تحلیل می‌کنیم، مشخصه‌های برجسته سبک و نقش و ارزش آن‌ها در هر لایه جداگانه مشخص می‌شود. این روش، کشف و تفسیر پیوند مشخصه‌های صوری متن با محتوای آن را آسان‌تر می‌سازد؛ زیرا سهم و نقش هر بخش از زبان در شکل‌دادن به سبک به روشنی نشان داده می‌شود. این شیوه، از آشفتگی تحلیل و تداخل داده‌ها و دیدگاه‌ها پیشگیری می‌کند و در هر لایه امکان کاربرد نگرگاه‌ها و روش‌های مناسب را فراهم می‌سازد» (همان، ص ۲۳۷). همچنین «سبک‌شناسی لایه‌ای (مدرن)، دانشی است که از جامع‌ترین شیوه‌ها در بررسی بهره می‌گیرد؛ بدین معنی که از کوچک‌ترین سازه‌های زبان؛ یعنی آواها آغاز می‌کند و تا واژگان و انواع و کیفیت کاربرد آن‌ها و تعبیر و ترکیبات، همچنین نحو و ساختار جمله‌ها و بلاغت و کاربرد اندیشه و ایدئولوژی هنرمند به تجزیه و تحلیل می‌پردازد؛ و در نهایت از مجموع کلیت ساختاری اثر به اهداف هنری سخنور پی می‌برد» (محمدی‌افشار و شایان‌مهر، ۱۳۹۶).

شعر دوره بازگشت، سبک نوینی نیست و در نیمه دوم قرن دوازدهم؛ یعنی از اواخر دوره افشاریه به وجود آمد و در دوره کریم‌خان زند گسترش یافت؛ اما رواج اصلی و اشاعه کامل آن از زمان فتحعلی‌شاه قاجار به بعد است. نهضت بازگشت دو شاخه اصلی قصیده‌سرایی و غزل‌سرایی دارد. قصیده‌سرایی به سبک شاعران کهن خراسانی و عهد سلجوقی است و غزل‌سرایی به سبک عراقی؛ یعنی تقلیدی از سعدی و حافظ است (رک: شمیسا، ۱۳۸۸، ص ۲۹۸-۲۹۷). با توجه به تعداد زیاد شاعران و گستره پهناور جغرافیایی جریان بازگشت ادبی، آثار ارزشمند بسیاری وجود دارد که چندان مورد مطالعه و پژوهش قرار نگرفته‌اند. یکی از شاعران توانمند این جریان، مَحْرَم کرمانشاهی است که تا کنون در هیچ پژوهشی به سروده‌های وی پرداخته نشده است؛ همچنین با توجه به تذکره‌ها و کتابهای تاریخ ادبیات فارسی چندان شناخته‌شده نیست. مَحْرَم کرمانشاهی از شاعران توانای جریان بازگشت ادبی است که با زبانی شیوا و بیانی رسا شعرهای زیبایی را متأثر از شاعران سبک عراقی سروده است و غزلیاتش را به پیروی و استقبال از غزلیات سعدی و حافظ گفته است. جستار حاضر با رویکرد سبک‌شناسی لایه‌ای، سروده‌های مَحْرَم کرمانشاهی را بررسی و تحلیل کرده است.

۲. پیشینه پژوهش

با بررسی‌های انجام‌گرفته درباره مَحْرَم کرمانشاهی به غیر از تذکره‌هایی همچون «شاعران کُردِ پارسی‌گوی» از سید عبدالحمید حیرت سجادی که کوتاه و مختصر به معرفی شاعر پرداخته است یا «باغ هزار گل» از فرشید یوسفی (بدالله یوسفی‌پور) که - بیشتر به واسطه آثارش در زمینه نام‌آوران تاریخی منطقه کرمانشاه شناخته‌شده است - زندگی‌نامه شاعر را گزارش کرده و در مقدمه دیوان اشعار مَحْرَم کرمانشاهی هم آن را آورده است، تا کنون پژوهشی

دربارهٔ سروده‌های مَحْرَم کرمانشاهی انجام نشده است و «دیوان اشعار مَحْرَم کرمانشاهی» تنها کتاب دربردارندهٔ مجموعه اشعار به‌دست آمده از این شاعر است که به کوشش فرشید یوسفی در سال ۱۳۹۸ در انتشارات ماهتاب غرب به چاپ رسیده است. جستار حاضر با رویکرد سبک‌شناسی لایه‌ای غزل‌های مَحْرَم کرمانشاهی، نخستین پژوهش دربارهٔ سروده‌های این شاعر است.

۳. ضرورت پژوهش

شناساندن چهره‌های ادبی و بررسی آثارشان موجب آگاهی و انگیزهٔ پژوهشگران و خوانندگان میشود، به‌ویژه اگر دربارهٔ شاعر گمنامی همچون مَحْرَم کرمانشاهی برخاسته از غرب ایران انجام پذیرد، باعث آشناسازی هرچه بیشتر با میراث ارزشمند ادبی آنان و توانمندیهای شاعران و نویسندگان این سرزمین خواهد شد. مَحْرَم کرمانشاهی از سخنوران توانمند معاصر است که با زبانی رسا و بیانی شیوا، غزل‌های زیبایی به پیروی و استقبال از دو سخن‌سرای بزرگ شیرازی و دو ستارهٔ درخشان و در اوج آسمان غزل عراقی، سعدی و حافظ، سروده است. این گفتار با هدف بررسی سبک‌شناسی لایه‌ای سروده‌های مَحْرَم کرمانشاهی نگاشته شده است تا ضمن بررسی و تحلیل غزل‌سروده‌های وی، زمینه‌های شناخت بیشتر این شاعر و آشنایی بیشتر با زبان و بیان وی فراهم آید.

۴. روش پژوهش

این پژوهش به شیوهٔ توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع مکتوب و کتابخانه‌ای انجام شده است. در این شیوهٔ تحقیق، نگارندگان کوشیده‌اند تا پس از مطالعهٔ دیوان مَحْرَم کرمانشاهی و واری غزل‌های او، به بررسی و تحلیل سبک‌شناسی لایه‌ای سروده‌های شاعر بپردازند.

۵. مختصری در شناخت مَحْرَم کرمانشاهی^۱

میرزا اسدالله جاویدانی متخلص به «مَحْرَم» و معروف به میرزای خوشنویس در سال ۱۲۳۲ خورشیدی در کرمانشاه، دیده به جهان گشود. وی در «یک خانوادهٔ کفش‌دوز به دنیا آمد. پس از طی دوران تحصیل، حرفهٔ پدر را دنبال کرد. غالب اوقات شعرا در دکانش جمع می‌شده، اشعار ردوبدل می‌کردند. در سال ۱۲۸۰ که تازه در کرمانشاه مدرسه تأسیس شده بود، مَحْرَم به تدریج به تاریخ و جغرافیا که در آن تبخّر داشت، پرداخت» (حیرت سجّادی، ۱۳۷۵، ص ۷۱۳). دانش آن هنگام را با توان فراوان پیش استادان فراگرفت و در ریاضی، تاریخ و جغرافی سرآمد شد و به درس‌دادن به تشنگان دانش پرداخت و بزرگانی همچون حاج مرتضی مهدوی، فرج‌الله‌خان معتمدی، میرزا حسن خان مدنی دبیر اعظم و ... سرافراز در مقام شاگردی او بوده‌اند. مَحْرَم پیشترها برای سروده‌هایش تخلص «غم»، «فانی» و «جاودانی» استفاده کرده است و در پایان، مَحْرَم را برگزیده است. وی افزون‌بر دانش ژرف و سخن‌سرایی، از خطی زیبا نیز برخوردار بوده است و خط نستعلیق را شیوا مینگاشته و بسیاری از هنرپژوهان، وی را «میرزای خوش‌نویس» مینامیدند. سرانجام شیفتگی درون، آشفتگی بیرون و ناهمگونی مردم روزگار او را از فراگیری و آموختن جدا ساخته، در خویش میکشاند و این دگرگونی انگیزه‌ای میشود تا کتابها و سروده‌هایش را از خانه با یاری یکی از روحانیون هنردوست و مثنوی‌شناس نامی به یکی از حجره‌های مسجد حاج شهبازخان در

۱. آنچه در این بخش گزارش میشود، برگرفته از گفتار حیرت سجّادی در شاعران کُرد پارسی‌گوی و مقدمهٔ یوسفی بر دیوان مَحْرَم کرمانشاهی است.

کرمانشاه ببرد و در همان‌جا نیز در سال ۱۳۰۶ خورشیدی چشم از جهان فرومی‌بندد (رک: یوسفی، ۱۳۹۸، ص ۶-۴ مقدمه دیوان مَحْرَم کرمانشاهی).

۶. بحث و بررسی

دیوان موجود اشعار مَحْرَم کرمانشاهی شامل ۱۷۸ غزل در ۱۴۰۹ بیت، ۳ قطعه، ۱۲ رباعی و یک بیت فرد است؛ بنابراین عمده اشعار مَحْرَم، غزلیهای او است. کوتاه‌ترین غزل، غزل شماره ۴۰ با مطلع «یار را میل آشنایی نیست / وزنه ما را سر جدایی نیست» در صفحه بیست‌وششم دیوان است که سه بیت دارد و بلندترین غزل، غزل شماره ۱۳ با مطلع «آورد از پیک نسیم صبا / مزده وصل از بر آن مه لقا» در صفحه سیزدهم دیوان است که سیزده بیت دارد و به پیروی و استقبال از سعدی سروده شده است. بررسی سروده‌های مَحْرَم کرمانشاهی نشان می‌دهد که زبان ادبی و موسیقی شعر مورد توجه شاعر بوده است و وی با اصول و فنون شعرو شاعری آشنا بوده است. همچنین او با دیوان شاعران پیشین، به ویژه سعدی و حافظ مانوس بوده است و غزلیاتش را به پیروی و استقبال از آنان سروده است. توجه به عشق و معشوق، مضمونهای قلندرانه و تعلیمی از مضامین برجسته سروده‌های مَحْرَم کرمانشاهی است و عشق، درون‌مایه اصلی غزلیات او است و دانشهای بلاغی ایزاری برای بیان اهداف و مقاصد شاعر است که به وفور دیده می‌شود و سبب جذابیت و زیبایی کلام شاعر گردیده است. مَحْرَم در غالب غزلیاتش همچون پیشینیان، بیت تخلص دارد که غالباً در بیت پایانی ذکر شده است. در چهار غزل (۱۸، ۳۶، ۴۰ و ۱۱۹) بیت تخلص ندارد و تنها در غزل ۹۳ که نه بیت دارد، بیت تخلص در بیت هفتم آمده است.

۶-۱. لایه آوایی

سبک نوشتاری هر اثری را نوع انتخاب آوای آن اثر تشکیل می‌دهد. «ممکن است هر شاعری به آواها، وزنها، قافیه‌ها، ردیفها و بدایع لفظی خاصی علاقه نشان دهد و از آنها بیشتر در اشعارش بهره ببرد و کلامش را دارای سبک کند» (حیدری و دیگران، ۱۴۰۳: ۲۳۹). تکرار، واج‌آرایی، واژه‌آرایی و جناس و انواع آن از پرسامدترین مؤلفه‌های لایه آوایی در سروده‌های مَحْرَم کرمانشاهی هستند.

تکرار: روش تکرار از صنایع بدیع لفظی است و «در زیباشناسی هنر از مسائل اساسی است و اصولاً تکرار را باید یکی از مختصات سبک ادبی قلمداد کرد» (شمیسا، ۱۳۸۶، ص ۸۳). تکرار از صنایع پُربسامد و مورد توجه در غزلیات مَحْرَم است که به شکل‌های گوناگون واج‌آرایی، واژه‌آرایی و تصدیر بیش از ۱۰۰ بار در سروده‌های وی غالباً با درونمایه عشق برای تأکید و افزایش موسیقی کلام بهره برده است.

مشکن ای شحنة پیمان‌شکن شیشه ما	که نباشد چو تو، پیمان‌شکنی پیشه ما
(مَحْرَم کرمانشاهی، ۱۳۹۸، ص ۸)	
خطر زشتی و خطیره کین	در خطِ خاطرِ خطیر تو نیست
	(همان، ص ۱۸)
ز یاری یار اگر باری ز یاری‌های من بیند	به چشم عیب، کی بی‌اعتباری‌های من بیند
	(همان، ص ۲۹)
رأی من عشق گزیده‌ست ثواب است، ثواب!	نه به دام گنهی گشته گرفتار دلم
	(همان، ص ۷۰)
از رگ و ریشه ما، باده تراود، آری!	پرورش یافته زین آب رگ و ریشه ما
	(همان، ص ۸)

ای آفت دل‌های عزیزان به لطافت در عهد تو ایمن نتوان بود ز آفت
(همان، ص ۱۵)

جناس و انواع آن: یکی از آرایه‌های زیبای بدیع لفظی است که انواع آن از دیگر صنایع پُربسامد در غزلیات مَحرم است و بیش از ۱۰۰ نمونه از گونه‌های مختلف این هنر بدیعی در سروده‌های او وجود دارد. یکی از تواناییهای مَحرم در کاربست واژه‌ها در نقش یکی از اساسیترین ابزارهای ساخت موسیقی شعر، کاربرد گستردهٔ انواع جناس برای القای بهتر مفهوم و گسترش موسیقی کلام است.

مرا ز دولت وصلِ تو تا کناری هست ز شادی همه عالم کنار خواهم کرد
(مَحرم کرمانشاهی، ۱۳۹۸، ص ۴۰)

شرح دردِ غمِ عشقش تو چه پرسی که گواهم اشکِ سرخ و رخِ زرد است، دگر من چه بگویم
(همان، ص ۷۱)

تا که ز رحمت به سرِ کوی او عرضه کند عرض منِ بینوا
(همان، ص ۱۳)

نکند تُرکِ جفا، تُرکِ ستم‌پیشهٔ من نه به هر وعده که داده‌ست وفا خواهد کرد
(همان، ص ۳۸)

به دیده برگِ گُلَمِ خوارتر ز خار آید چو در نظر گذرد یادِ آن بر و دوشم
(همان، ص ۷۸)

روز آفتابِ مجلسِ یاران شویم و شب میراگهٔ خروشِ خروسی سَخَر کشیم
(همان، ص ۷۶)

حصول عشق بود حاصلِ حیاتِ بشر ز عمر، «مَحرم» ما را بس است این محصول
(همان، ص ۶۸)

کمانِ عشقِ تو را می‌کشم به دوشِ ضعیف گمان مدار که پُر بی‌کمال و بی‌هنرم
(همان، ص ۷۸)

از محنت ایتام دل آرام گرفتی گاهی که دلارام، به سویم نظری داشت
(همان، ص ۲۲)

تخفیف (سبک‌سازی): تخفیف یا سبک‌سازی «حذف واج یا واج‌هایی از سازه یا کلمه یا کلام است به‌منظور کوتاه و سبک‌کردن آن». تخفیف طبق قواعد زبان‌شناسی و ادبیات، صورت می‌گیرد از جمله مطابق قوانین کم‌کوشی یا اصل اقتصاد زبان (اصل زحمت کمتر) یا قانون قرینه‌سازی و ضرورت شعری و ادبی و جز آنها» (فرشیدورد، ۱۳۸۲، ص ۵۸۲). در غزلیات مَحرم، موارد متعددی از تخفیف وجود دارد.

به هر گواه عشق تو در صف محشر آورم سینۀ چاک‌چاک را پیرهن دریده را
(مَحرم کرمانشاهی، ۱۳۹۸، ص ۱۱)

عشق دردیست که هرگز نپذیرد درمان عجز در چارهٔ او، صد چو فلاطون دارد
(همان، ص ۳۶)

قیمتِ اشک که در پای تو ریزم، بشناس این گُهرها، همه پروردهٔ خون جگرند
(همان، ص ۴۶)

به زرخدان تو سوگند که در مصرِ فراق
همچو یوسف به چَهِی گشته گرفتار، دلم
(همان، ص ۷۰)

افزایش (اشباع): در اشباع «واج‌ها و حروفی در آغاز یا میان یا پایان کلمه یا سازه یا گروهی به آن افزوده می‌شود»
(فرشیدورد، ۱۳۸۲، ص ۶۰۴). در غزلیات محرم، به‌ندرت نمونه‌هایی از افزایش (اشباع) وجود دارد.

به بندِ عشق نه‌تنها من اوفتادم و بس
که مبتلایِ غمش، همچو من، هزارانند
(محرم کرمانشاهی، ۱۳۹۸، ص ۴۱)

به شکارِ صید لاغر، نشود اگر که راضی
ز دلِ ضعیف ترسم که نیوفتند به بندش
(همان، ص ۶۴)

۶-۲. لایه لغوی

محرم کرمانشاهی در غزلیاتش از واژه‌ها و ترکیب‌های ساده و متناسب با شعر غنایی و سبک عراقی استفاده کرده است که در شعر فارسی متداول است.

• **واژه‌ها و ترکیب‌های عربی:** کثرت واژه‌ها و ترکیب‌های عربی از ویژگی‌های زبانی سبک عراقی است. در جای‌جای غزلیات محرم، واژه‌ها و ترکیب‌های عربی بسامد بالایی دارد و بوضوح دیده می‌شود که البته همگی رایج و آسان هستند و در شعر فارسی متداول است.

طاعت و تقصیر ما را نیست فرقی، لاجرم
عذر باید خواست هر طامات و هر تقصیر را
(همان، ص ۷)

با سلطنت حُسن منافات ندارد
گاهی به گدایان نظری از سرِ رأفت
(همان، ص ۶۴)

ندیدم در همه عمر از تو، غیر از محنت و خواری
جزاک الله! خوب اعزازِ یارِ محترم کردی
(همان، ص ۸۷)

۶-۳. لایه نحوی

صفت و موصوف مقلوب:

عشقت به هر وجود که گردید سازگار
سوزنده آتشی‌ست که از آب، خوشتر است
(همان، ص ۲۴)

مرانم از خود ای رعنا جوان! میسند در پیروی
به نومیدی، ز کویتِ عاقبت بارِ سفر بندم
(همان، ص ۷۳)

کاربرد صورت کهن کلمات:

در پرده دل، راز نهانی که نهفتم
گر فاش کنم، غیر، شنفتن نتواند
(همان، ص ۴۳)

پیل، سازد اگر تنت پامال
به که در دستِ نفس اسیر شوی
(همان، ص ۸۸)

افعال کهن:

فعل امر بدون پیشوند «ب»:

عاشق آنست که جان در ره معشوقه دهد
ورنه گو گیر سر خود، ز پی کارِ دگر
(همان، ص ۵۳)

افزودن «م» بر سر فعل امر (ساخت کهن امر منفی یا نهی):

وفا **م**جو به یک اندازه از هر آدمیی
سرشته در ورق هر گلی گلایی هست
(همان، ص ۲۸)

متاب ای دلبر خورشیدرخ از هر در و بامی
که رشک آرد مرا گر آفتاب از روزنت بیند
(همان، ص ۲۹)

«همی» به جای «می» بر سر فعل مضارع (اخباری):

ز بدبختی بود غم هم رقیب من، **همی** ترسم
که غم دستِ خیالم را شبی در گردنت بیند
(همان، ص ۲۹)

آوردن «اندر» به جای «در»:

بس که دارم هوسِ دیدنِ او **اندر** خواب
گاه خورشید و گهی ماهِ منورِ نگرم
(همان، ص ۷۵)

پیشوند فعلی «در»:

شعله‌ها از عشق عاشق را به جان تا **در**نگیرید
هر زمان چون شمع، لختِ دل به پیراهن نریزد
(همان، ص ۴۲)

پیشوند فعلی «بر»:

صفِ دل‌ها به یکی حمله، به هم **بر**شکنند
تُرکِ چشمت که سر تیغ کشیدن دارد
(همان، ص ۳۷)

پیشوند فعلی «فرو»:

وجودِ منکرِ عشق، از حیاتِ **بر**نخورد
درونِ آبِ حیاتش اگر **فرو**شویی
(همان، ص ۹۵)

پیشوند فعلی «باز»:

به تختِ مصر یوسف می‌کند شاهی، از آن ترسم
که آه نالهٔ یعقوب، **باز** آرد به کنعانش
(همان، ص ۶۴)

۴-۶. لایهٔ بلاغی

تشبیه: اگرچه محرم کرمانشاهی، مقلد و متأثر از شاعران سبک عراقی، به‌ویژه حافظ و سعدی است و در غزلیاتش ابداع و ابتکار کمتر دیده می‌شود؛ اما در تصویرپردازی‌های شعری توانمند است. او در به‌کارگیری انواع تشبیه و آفرینش تصاویر از قدرت ذهنی بالایی برخوردار است. تشبیهات وی زیبا، دلنشین، طبیعی و روان هستند. تشبیه، برجسته‌ترین عنصر هنری و پربسامدترین صورت خیال در سروده‌های محرم کرمانشاهی است. محرم، شیفتهٔ تصاویر شعری است و تشبیه، کانون توجه و در قلب تصاویر شعری او جای دارد؛ به‌گونه‌ای که بیش از چهارصد نمونه از تشبیه در غزلیاتش استخراج شده است و همین سبب می‌گردد که وی را شاعری تصویرگرا معرفی کند. محرم در

به‌کارگیری انواع تشبیه بلیغ، تفضیل، مضمَر و غیره هنرنمایی میکند. این تشبیهات معمولاً از نوع معقول و محسوس به یکدیگر هستند و غالباً به‌صورت تشبیه بلیغ و از نوع اضافی است، که هنری‌ترین نوع تشبیه است، و بیشتر در توصیف معشوق، عشق و دشواریهای آن است. مَحْرَم با بهره‌گیری از سنت‌های ادبی در انتخاب مشبه و مشبه‌به یاری می‌گیرد و با ایجاد تناسب‌های لفظی، سروده‌های زیبایی را میسرآید که یادآور غزلیات سعدی و حافظ است. به‌کارگیری این تشبیهات نشان از علاقه‌مندی مَحْرَم و آگاهی او از سنت‌های ادبی و ژرف‌اندیشی و مطالعه‌ی وی در آثار پیشینیان است. میتوان مَحْرَم را در گروه شاعران احساساتی بشمار آورد؛ مَحْرَم، شاعر عشق و غزل است و عشق، درونمایه و محور اصلی غزلیات وی است. غزل، بیشتر با عواطف و احساسات لطیف و ملایم سازگاری دارد و دلیل کاربست این تشبیهات برای تشدید تأثیرهای عاطفی است و غالباً به عشق و معشوق و توجه و اهمیت ویژه به مشبه، همچنین مبالغه در تشبیه بازمیگردد که بیشتر برای بیان برتری معشوق یا توصیف عظمت و تأکید بر جایگاه وی است.

من و از بیدلی‌ها غرق بحرِ شرمساری‌ها (مَحْرَم کرمانشاهی، ۱۳۹۸، ص ۱۴)	تو و زنجیرِ زلفِ عنبرین و صید دل کردن
گرمی از آتش سرایت دارد آتشگاه را (همان، ص ۱۰)	شعله‌ی عشق آتشین کرد او آتشیارِ من
بادهای حوروش و شوخ و پری‌زاد بیار (همان، ص ۵۴)	دیوِ غمِ چیره به من شد ز پی چاره‌ او
اگر در آب ریزد باد، خاکِ استخوانم را (همان، ص ۹)	ز بعدِ مرگ هم، ننشیند از دل آتشِ عشقم
که به بوسه، مست گشتم ز حلاوتِ دهانش تهی ار ز جامه سازی، بر ماهِ آسمانش (همان، ص ۵۹)	می و شکر است گوئی، لبِ لعلِ دل‌سینانش مه آسمان شود کم، بر پیکرِ منیرش
سرچشمه‌ی سلسبیل و کافور (همان، ص ۵۳)	رویش بود گل و خطِ او سبزه‌ای عجیب
بهارِ سُنبل و نسرين و باغِ نسترنش (همان، ص ۶۶)	روا بود که بدین نیکویی خطاب کنم
حور و غلمان اگر از روضه‌ی رضوان آرند (همان، ص ۴۸)	در دل هیچ‌کسی چون تو ندارند اثر

جدول شماره ۱: بسامد انواع تشبیه در سروده‌های مَحْرَم کرمانشاهی

نوع تشبیه	بلیغ	تفضیل	جمع	مشروط	مفروق	تسویه	مضمَر	ملفوف	مفرد به	مفرد به مقید	مرکب به
تعداد	۳۱۶	۳۶	۶	۹	۱۴	۵	۱۶	۹	۶	۳	۴
درصد	۷۴/۵	۸/۴	۱/۴	۲/۱	۳/۳	۱/۱	۳/۷	۲/۱	۱/۴	۰/۷	۰/۹

استعاره: استعاره از صنایع زیبا و هنری است که «بسیار هنری‌تر از تشبیه است و در بسیاری از جاها - خصوصاً استعارهٔ مکنیه - صورتی فراتر از تشبیه به خود می‌گیرد» (علوی‌مقدم و اشرف‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۱۷). استعاره از دیگر صنایع پُربسامد و مورد توجه در غزلیات مَحرم است که به شکل‌های مصرّحه، مکنیه و اضافهٔ استعاری در بیش از ۱۵۰ مورد به کار رفته است و غالباً در توصیف معشوق و برای بیان جایگاه بلند او؛ همچنین برای زیباسازی تصاویر شعری و تحریک لذّت مخاطب و بیان پیامی مهم و درخور توجه است. به‌کارگیری این استعاره‌ها نشان از علاقه‌مندی مَحرم و آگاهی وی از سنت‌های ادبی و کندوکاو و مطالعهٔ وی در آثار گذشتگان است. بیشتر استعاره‌هایی که مَحرم به‌کار می‌گیرد، ساده هستند و بر تشبیه‌های صریح استوارند.

کاش آهم بر سرِ رحم آورد آن ماه را! تا نپندارند تأثیری نباشد آه را
(مَحرم کرمانشاهی، ۱۳۹۸، ص ۱۰)

هر که دارد هوای زلف بُتی سرِ ما هم تهی ز سودا نیست
(همان، ص ۲۷)

زمین در زیر بار آسمان هرگز کجا نالد به زیر بار عشق ار استواری‌های من بیند
(همان، ص ۲۹)

ای صبا گر گذری بر سرِ کویِ شیرین گو گذاری به سرِ تربتِ فرهاد بیار
(همان، ص ۵۴)

دهانت را به تنگی، غنچه‌گفتم، لیک دلتنگم که چون نشکست، مُشتِ عشق تو، درهم، دهانم را
(همان، ص ۹)

گفتنی است که مَحرم در غزلیاتش نمونه‌های چشمگیری از «اضافهٔ اقترانی» را هم به‌کار گرفته است؛ از آن جمله میتوان به ترکیب‌های چشمِ امید (۹ و ۷۱)، دستِ دعا (۱۰)، چشمِ لطف (۲۹)، چشمِ عیب (۲۹)، دستِ امید (۳۰)، چشمِ تعلق (۳۱ و ۳۲)، چشمِ حقارت (۴۱)، چشمِ هوس (۷۱) و قدمِ ناز (۹۲) اشاره کرد.

جدول شمارهٔ ۲: بسامد انواع استعاره در سروده‌های مَحرم کرمانشاهی

نوع استعاره	مصرّحه	مکنیه	اضافهٔ استعاری
تعداد	۱۱۳	۴۷	۵۸
درصد	۵۱/۸۳	۲۱/۵۵	۲۶/۶۰

کنایه: «کنایه نیز یکی از صور خیال در ادب و شعر هر زبانی است و از دیرباز اهل ادب و منتقدان به اهمیت کنایه و میزان تأثیر آن در اسلوب بیان توجه داشته‌اند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۹). همچنین کنایه «از آن‌رو در کنار تشبیه و استعاره، کاربرد بیشتری در شعر دارد که کارکرد آن با کارکرد شعر، یعنی بیان تلویحی و غیرمستقیم، هماهنگی دارد» (مظفری، ۱۳۷۵). کنایه از دیگر صنایع پُربسامد در غزلیات مَحرم است که بیش از ۱۰۰ نمونه به‌کار رفته است. غالب کنایه‌های به‌کار رفته در غزلیات مَحرم از نوع «ایماء» است و احتمالاً دلیل کاربست آن هم

این است که مخاطب معنای آنها را به راحتی دریافت میکند و به عبارتی، ساده‌ترین و پُرکاربردترین نوع کنایه است. کنایه‌هایی که مَحْرَم به کار می‌گیرد، تکراری هستند و پیش از او نیز در متون منظوم و منثور سابقه دارد. فراوانی این دسته از کنایه‌ها در سروده‌های مَحْرَم نشان می‌دهد که شعر فارسی در دوره بازگشت ادبی میکوشد ضمن آفرینش صور زیبای بلاغی، به اصول ساده زبان در سبک عراقی نیز پایبند باشد. همچنین، ضمن مطالعه و آگاهی مَحْرَم از کنایه‌های پیشین، به استفاده از آنها نیز علاقه‌مند بوده است. کاربست کنایه‌ها در غزلهای مَحْرَم غالباً برای مقام معشوق و توصیف‌های عاشقانه و رندانه است.

گر رستم دستان بُود از پای درآید / شمشیر، چو آن تُرک زره‌پوش برآرد
(مَحْرَم کرمانشاهی، ۱۳۹۸، ص ۳۷)

از پای درآمدن کنایه از ۱. ضعیف و ناتوان شدن. ۲. از بین رفتن و مردن است (انوری، ۱۳۸۳، ج ۱: ۱۷۹).

چشم اَمیدِ تمنا، همه من سوی تو دارم / بـفـکن گـوشـهٔ چـشمـی تو هم از لطف به رویم!
(مَحْرَم کرمانشاهی، ۱۳۹۸، ص ۷۱)

گوشهٔ چشم به کسی داشتن کنایه از به او توجه کردن و به او لطف‌داشتن است (انوری، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۳۸۹). گاهی زاهد، شیخ، مفتی و مانند آن آماج تیرِ نقدهای مَحْرَم قرار می‌گیرند و او به تعریض و با هدف طنز و تحقیر با بیانی رندانه و حافظ‌گونه یادآور می‌شود:

عشق‌ورزیدن و مستی بودم کیش، ولی / مفتی شهر گمان کرد ز بی‌کیشانم
ز من آموز، ره رندی و صاحب‌نظری / که در این مرحله، سرحلقهٔ درویشانم
مَنگَر خـوارِ ام ای شیخ! به میخانه خرام / تا بدانی که در اینجا، چقدر ذی‌شانم
(مَحْرَم کرمانشاهی، ۱۳۹۸، ص ۷۶)

نکتهٔ درخور توجه این است که گاهی مَحْرَم کنایاتی را گزینش می‌کند که لفظی با الفاظ سازندهٔ آن عناصر، هماهنگی و تناسب دارد که این خود نشانگر هنر و توانایی شاعر است:

گر تو قوی پنجه، کِشی تیغ، نیست / چارهٔ ما جز سپر انداختن
(مَحْرَم کرمانشاهی، ۱۳۹۸، ص ۷۹)

سپر افکندن (انداختن، نهادن) کنایه از عاجز شدن است (انوری، ۱۳۸۳، ج ۲: ۸۸۹) و سپر با تیغ تناسب دارد.

فتویٰ پیرِ مغان است که می‌باید سوخت / خرّقه‌ای را که در این خانهٔ خَمّار بماند
(همان، ص ۴۹)

خرقه سوختن (سوزاندن) کنایه از رهاکردن است (انوری، ۱۳۸۳، ج ۱: ۵۰۰) و خرّقه با فتویٰ و پیر تناسب دارد. مجاز: مجاز یکی از گونه‌های صور خیال است که عبارت است از «کاربرد واژه در غیرمعنی اصلی و مؤضع‌له که برای رسیدن به معنی مجازی و عدول از معنی حقیقی باید مناسبتی یا علاقه‌ای بین معنی حقیقی و معنی مجازی وجود داشته باشد تا ذهن بتواند به مفهوم مورد نظر شاعر برسد» (علوی‌مقدم و اشرف‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۲۸). مجاز از دیگر صنایع بیانی مورد توجه مَحْرَم است که البته کاربرد آن به اندازهٔ تشبیه، استعاره و کنایه ندارد و حجم کمتر مجاز در اشعار مَحْرَم، گواه این مدعا است. مَحْرَم فراخور علاقه‌مندی و توان از مجاز بهره می‌گیرد. مجازهایی که مَحْرَم به کار می‌برد معمولاً مجازهایی هستند که یا ذکر جزء و افادهٔ کلّ می‌کند یا ظرف و ارادهٔ مظرّف می‌سازد. کاربست مجازها در غزلهای مَحْرَم غالباً در توصیف معشوق و بیان عظمت و مقام بلند وی است.

دلِ عالمِ بسوزانم به آهی ولی ترسم دلِ جانان بسوزد
(مَحرم کرمانشاهی، ۱۳۹۸، ص ۳۰)

«عالم» مجاز حال و محل / ظرف و مظروف؛ یعنی اهل عالم است. در اینجا ذکر محل و ارادهٔ حال است.
نیز:

عالمی دستِ دعا بر آسمان دارند شب آسمان تا با که سازد مهربان، آن ماه را
(همان، ص ۱۰)

گر سَر و جان رَوَد اندر سِرِ سودای تو شادم زان‌که سوداگرِ عشق تو بُوَد سود و زیانش
(همان، ص ۶۰)

«سَر و جان» مجاز ذکر جزء و افادهٔ کل از تمام وجود است.
و اما زیباترین مجازهای مَحرم، مجازهایی هستند که در آن با ذکر یکی از لوازمهای شخصی، خود شخص اراده میشود:

چه کنم گر نکشم بارِ غمِ هجرانش که رها می‌نکد دستِ دل از دامانش
(همان، ص ۶۲)

چندانکه کبر و ناز کنی، خوب‌تر شوی با این جمال، از تو که خواهد فروتنی؟
(همان، ص ۸۹)

قدحِ باده و میخانه اگر هست، مخواه تختِ کاووس و کی و مملکتِ کیخسرو
(همان، ص ۸۲)

تلمیح: تلمیح یکی از آرایه‌های زیبای بدیع معنوی است که «دو ژرف‌ساخت تشبیه و تناسب دارد؛ زیرا اولاً ایجاد رابطهٔ تشبیهی بین مطلب و داستانی است و ثانیاً بین اجزاء داستان، تناسب وجود دارد» (شمیسا، ۱۳۸۶، ص ۱۱۲). تلمیح از صنایع پُربسامد در غزلیات مَحرم است که بیش از ۱۰۰ نمونه به کار رفته است. تلمیح در اشعار مَحرم نه تنها در جایگاه صنعتی بدیعی، بلکه در نقش یک حوزهٔ گستردهٔ معنایی و تأثیرپذیری از این مضامین برای هنرنمایی بیشتر باعث استواری و تقویت زبان شاعرانهٔ او گردیده است که خود جلوه‌گر بسیاری از عناصر قرآنی، اساطیر ملی، ادبیات غنایی و داستانهای عاشقانه شده است. این تلمیحات غالباً مربوط به موضوعها و شخصیت‌های قرآنی، اسطوره‌ای، عرفانی، عروسهای شعری از جمله شیرین‌فرهاد و لیلی و مجنون است که به تناسب قالب غزل، غالب این تلمیحات و داستانها؛ بهره‌برداریهایی شاعرانه برای عشق و توصیف‌های عاشقانهٔ مورد نظر است و به عبارتی، غالباً از آنها در ساخت مضمونها و توصیف‌های عاشقانه بهره برده است. مَحرم از شخصیت‌های مختلف دینی، تاریخی و اساطیری و رویدادهای گوناگون در لابه‌لای اشعار نغز خود یاد میکند که خود نشان از علاقه و پایبندی شاعر به اعتقادات و نیز گواه آشنایی و آگاهی وی با رویدادهای دینی و اساطیری است. کاربست این تلمیحات به جهت بیان حال از راه تلمیح و ایجاد نمادهای آشنا برای ایرانیان است؛ همچنین مبالغه در ارج و ارزش کسی که از نگرگاه شاعر، ارجمندی او با هیچ‌کدام از معیارهای تاریخی و اساطیری درخور ارزیابی نیست.

شرف عشق بس که در قرآن	قصه، چون یوسف و زلیخا نیست (مَحْرَمِ کرمانشاهی، ۱۳۹۸، ص ۲۳)
حُسنِ یوسف که به سر حدّ کمال آمده بود	همچو آوازه حُسن تو، جهانگیر نبود (همان، ص ۵۱)
«مَحْرَم» مزن از بیش و کم، زان آتشین رخسار، دم	ورنه به یک جلوه، ز هم، چون طور سینا ریزمت (همان، ص ۲۳)
طور است سرایِ آن که دارد	آن چهره همچون لمعه نور (همان، ص ۵۳)
در ظلماتِ غمت، خضرصفت می‌روم	آبِ حیاتِ من است، خاکِ کفِ پای تو (همان، ص ۸۱)
شرافتی نبود آن که عاشقی نکند	که «مَحْرَم» آدم خاکی بود ظلوم و جهول (همان، ص ۶۷)
طالع کیخسروی باید کنون ما را که سخت	پنجه اندر پنجه افراسیاب افکنده‌ایم (همان، ص ۷۲)
حشمت و جاهِ کسی را خطری نیست به دهر	یاد او گر که ز جمشید و سلیمان آید (همان، ص ۴۸)
دل ببرد و کرد در چاه زنخدانش نهان	تهمتن را ترکِ من، در چاه بیژن افکند (همان، ص ۴۵)
بیستون چشمه چشمش همه دم پُرآب است	چشم فرهاد مگر منتظر شیرین است (همان، ص ۱۴)
باد از بانگِ اَنَا الْحَقِ گوشِ جانِش ناامید	هر کسی در عشق، منصورِ سِرِ داری نشد (همان، ص ۳۴)

ایهام: ایهام از آرایه‌های زیبا و مهم بدیع معنوی است و «از عناصری است که زیبایی بیان و کمال هنری شعر را، در حوزه معانی و قلمرو تخیل، استوار می‌دارد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۵). مَحْرَمِ کرمانشاهی هم به انواع این هنر بدیعی توجه داشته است؛ مَحْرَم با به‌کارگیری ایهام به دنبال توسعه معنایی و افزایش ظرفیتهای شعری برای ایجاد تنوع و تعدد در تعبیر ممکن از شعر؛ همچنین لذت مخاطب از آن است.

چو «مَحْرَم» هر که وصف آن لب شیرین سازد	به شکرریزی طرزِ غزل، ممتاز خواهد شد (مَحْرَمِ کرمانشاهی، ۱۳۹۸، ص ۳۱)
نتوانم نَفْسِ دور شوم زان سر کوی	از دل خسته مرا تا نَفْسِ می‌آید (همان، ص ۴۷)
تمیز یافت وجودِ عدم ز هم، چو خیال	حدیث موی میان تو در میان انداخت (همان، ص ۲۸)

عشق چون بار به اقلیم وجود اندازد	عقل، آواره صحرای جنون خواهد شد (همان، ص ۳۲)
نتوان گفت به هر انجمن اسرار محبت	این نه رازیست که هر جا بتوان کرد عیانش (همان، ص ۶۰)
کاش هر هفته نُبَرَد سر آن زلف بلند	رشتهٔ عمر من است از چه گُند کوتاهش؟ (همان، ص ۵۹)
من به لب تشنه، تو بر خون من	تا چه کند حاکمِ دیوانِ عشق (همان، ص ۶۷)

متناقض‌نما: متناقض‌نما یکی دیگر از ابزارهای تصویرسازی است که محرم به دلیل ایجاد حس خیال‌انگیزی شگفت‌انگیز این صنعت از آن بهره می‌گیرد و با استفاده از عناصر مخالف باعث پویایی و حرکت ذهن مخاطب میشود. متناقض‌نما در غزلیات محرم، بیش از چهارده نمونه استخراج شده است که هم به صورت اضافی و هم به صورت غیراضافی آمده است.

«محرم» مرو از رَه که در اویش توانگر	در طی بیابان قضا، هم‌سفرانند (همان، ص ۴۶)
ز دُردِ دهر نبینند دردِ سر، مستان	که مستِ بادهٔ عشقاند و هوشیارانند (همان، ص ۴۱)

تناسب: تناسب (مراعات نظیر) از صنایع فعال ادبی به‌شمار میرود و «از لوازم اولیّهٔ سخن ادبی است، یعنی در مکتب قدیم اصل ادب فارسی، سخن نظم و نثر، وقتی ارزش ادبی پیدا می‌کند که مابین اجزای کلام تناسب و تقارن وجود داشته باشد» (همایی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۹). یکی از عوامل مؤثر در ایجاد جذابیت و گیرایی سروده‌های محرم، گزینش و کاربست درخور واژه‌ها و پیوند و هماهنگی میان آنها است که در دیوان اشعار وی به‌شکلی هنرمندانه به‌کار رفته است. تناسب، پُرکاربردترین صنعت بدیعی غزلیات محرم است که در جای‌جای غزلیاتش آمده است و کاربرد آن در شعر او غالباً برای عشق و توصیف‌های عاشقانه است.

خال اگر بر کُنچ لب دارد، اگر بر رخ، بجاست	نقطهٔ باطل نباشد هیچ این تصویر را (محرم کرمانشاهی، ۱۳۹۸، ص ۷)
ساقی ار می دهی از میکدهٔ عشق، بیارا!	نه از آن باده که در جام بلورین باشد (همان، ص ۳۵)
نوبهار است و چمن سبز و هوا دلکش و موزون	آه از باده! تهی گر شود این فصل، سبویم (همان، ص ۷۱)
کشیده تیغِ ابرو یار، بر قلبم، از این سودا	به خونِ خویش چون بسمل، تپیدن آرزو دارد (همان، ص ۷۴)

تضاد: تضاد از جمله صنایع بدیع معنوی است و «به همان میزان اهمیتی که تناسب در نظام هستی و آفرینش داراست، تضاد نیز مهم و دارای ارزش و اعتبار است» (مرتضایی، ۱۳۸۵، ص ۳۵). تضاد از دیگر آرایش‌های پُربسامد

در غزلیات مَحْرَم است و بیش از ۱۳۰ نمونه از آن را استخراج کردیم و غالباً برای توصیف‌های عاشقانه و بیان حال و انتقال پیام است.

آفرینش را همه، آتش به خشک و تَر زخم
 گر برآزم از درون، این ناله جانکاه را
 (مَحْرَم کرمانشاهی، ۱۳۹۸، ص ۱۰)

به راه دوست جان کردم و شکرها دارم
 که این قربانی ناقابل اندر عشق، قابل شد
 (همان، ص ۳۴)

بستم کمر به خدمت، در کوی دوستداران
 از خواجگی نکوتر باشد چنین غلامی
 (همان، ص ۹۶)

۵-۶. لایه فکری

عشق: دیوان اشعار مَحْرَم کرمانشاهی، غالباً در قالب غزل سروده شده است و همین مسئله سبب شده است که برجسته‌ترین موضوع و درونمایه اصلی سروده‌های مَحْرَم بر محور عشق و سوزوگدازهای عاشقانه باشد و معمولاً توصیف‌های عشقی زمینی است. صُور خیال و ظرفیتهای زبانی و بلاغی، ابزاری برای بیان مقاصد وی است.

عجیبترین و شریفترین داستان، داستانِ عشق است:

عقول در عجبند از حدیث عشق، بلی!
 عجیب‌تر مگر از عشق، داستانی هست
 (مَحْرَم کرمانشاهی، ۱۳۹۸، ص ۲۶)

شرف عشق بس که در قرآن
 قصه، چون یوسف و زلیخا نیست
 (همان، ص ۲۷)

عشق، حرمت دارد و حریم آن، مقدّس است:

عاشقی را نظر پاک بیاید، ورنه
 نیست صاحب‌نظری شیوه هر بوالهوسی
 (همان، ص ۹۴)

معشوق بر هر چیزی برتری دارد:

با تماشاگاه طُرفِ گلشنِ رضوان چه کارش
 هر که شوخِ دلبرِ حوری‌وشی دارد
 (همان، ص ۳۲)

همه حرفهای معشوق، شیرین است:

بد اگر گویی و دشنام دهی، شیرین است
 از لب تو، سخن تلخ شنیدن است
 (همان، ص ۳۷)

عاشق، گرفتار بالای عشق شده است:

من همان روز که بالای تو دیدم، گفتم
 که مرا عشق، گرفتارِ بلا خواهد کرد
 (همان، ص ۳۸)

و البته پندِ ناصحِ فرزانه را هم گوش نمیدهد:

بگذر ای ناصح فرزانه ز پندِ من و بگذر
 که گرفتار بلا، گوش به پندِ تو ندارد
 (همان، ص ۳۳)

کسی یارای رویارویی با معشوق را ندارد:

گلایه‌های عاشقانه میکند:

گر رستمِ دستان بود از پای درآید / شمشیر، چو آن تُرکِ زره‌پوش برآرد
(همان، ص ۳۷)

چه داغ‌ها که چو لاله مرا به دل ننهاد / چه دردها که چو نرگس مرا به جان نگذاشت
(همان، ص ۲۳)

باوجود این، عاشق به حرف‌ها و سرزنش‌های دیگران اهمیتی نمیدهد:

از طعنۀ اغیار، من و ترکِ تو، هیهات! / عاشق نبود آن که گریزد ز شناخت
(همان، ص ۲۴)

و به محبوب، وفادار است:

پرداختم از غیرِ تو کاشانۀ دل را / این خانه به‌جز دوست، سزاوارِ کسی نیست
(همان، ص ۱۶)

از فراق معشوق رنج میبرد:

سوختم از هجر تو و بیش از این / دم نتوان زد از این ماجرا
(همان، ص ۱۳)

اما، امیدوار است که به گنج وصال برسد:

به امیددی که گنج وصلِ او روزی به دست آید / نمایم هر زمان ویرانه‌تر ویرانۀ دل را
(همان، ص ۸)

مضامین عرفانی:

جانِ جهان‌نماست دل، سِرِّ جهان در او عیان / در دل خود نظاره کن، سِرِّ همه جهان نگر
(همان، ص ۵۵)

تسلیم محض باش که در وادی سلوک / با عشق همسفر نشود پیرو عقل
(همان، ص ۶۸)

مضامین قلندرانه:

فتویِ پیرِ مغان است که می‌باید سوخت / خرقه‌ای را که در این خانۀ خَمّار بماند
(همان، ص ۴۹)

من همان رندِ خرابم که دم صبح آلت / بر درِ میکده عشق، سبوکش بودم
(همان، ص ۷۴)

مَنیگر خواری‌ام ای شیخ! به میخانه خرام / تا بدانی که در اینجا، چقدر ذی‌شأنم
(همان، ص ۷۶)

تقابل عشق و عقل:

نباشد عشق را با عقل الفت / کجا سیمرغ پَرَد با پرستو؟
(همان، ص ۸۴)

عشق چون بار به اقلیم وجود اندازد / عقل، آواره صحرای جنون خواهد شد
(همان، ص ۳۲)

نکوهش دنیا و دلبستگیهای زودگذر:

لَدَّتْ فَانِي جِهَان، وَزِر و وَبَالِ أَوْرَد
تَرَكِ مَرَادِ خُوِيْش كَن، عَزَّتِ جَاوَدَانِ نَغْر
(همان، ص ۵۵)

مَرِدِ فِرْزَانِه بَه دُنْيَايِ دَنِي دِل نَسْپَارِد
اِيْن بَهَارِيْسْت كِه اَز پِي رَسْدِ اَسِيْبِ خِرَانِش
(همان، ص ۶۰)

اعتقاد به قضا و قدر:

قُضَا كَشِيْد دَر اِيْن دَام و كَرْد مَجْبُوْرَم
كِي اِخْتِيَار بُوْد تَا كَنَم ز عَشْق، عَدُوْل؟
(همان، ص ۶۷)

حَكْمَتِ بِيْش و كِم وَضِعِ جِهَان، عَقْل چِه دَانْد؟
دَم مَزْن! چَوْن خَبِر اَز عَالَمِ تَقْدِيْر نَدَارِي
(همان، ص ۹۳)

مقام والای انسان:

رَسِي اَز سِرَاچَه گِل بَه مَقَامِ قُرْبِ مَنَزَل
رَهِي اَر بَه دَسْتِ اَرِي ز مَكَانِ اَدْمِيَّت
(همان، ص ۱۸)

تُو رَا بَه جِيْبِ بُوْد نَقْدِ مَخْزَنِ مَلْكُوْت
نَدَانْمَت كِه دَر اِيْن خَاكْدَانِ چِه مِي جُوْبِي؟
(همان، ص ۹۵)

اشعار تعلیمی و اخلاقی:

تَرَكِ اَمِيْزِشِ نَادَانِ كَن و اَسُوْدَه نَشِيْن
وَرْنَه اَوْرَاقِ بَهْل! دَفْتَرِ دَانَايِي رَا
(همان، ص ۱۰)

نِيْكِي مَانْد بَه رُوْزْگَار، وَگَرْنَه
كَاخِ زِرَانْدُوْدِ رُوْزْگَار، نَمَانْد
(همان، ص ۴۱)

۷. **اقتفاء و استقبال:** یکی از گونه‌های تأثیرپذیری سرایندگان از یکدیگر استقبال و به اقتفا رفتن است. «استقبال آن است که گفته یکی از اساتید سخن را سرمشق قرار بدهند و به همان وزن و قافیت شعر بسازند» (همایی، ۱۳۸۹، ص ۲۵۱). استقبال در ادبیات فارسی سابقه‌ای دیرینه دارد و آن را «اقتفاء»، «اقتداء»، «تتبع» و «نظیره‌گویی» نیز خوانده‌اند (سعادت و دیگران، ۱۳۸۴، ج ۱: ۳۷۴). محرم از جمله سخنورانی است که از گروه شاعران جریان بازگشت بشمار می‌آید؛ زبان و بیان وی به سبک شاعران عراقی است و غزلیات وی رنگ‌وبوی غزلیات سعدی و حافظ را به خود گرفته است. میتوان گفت که محرم به سعدی و حافظ علاقه‌مند بوده است؛ این شاعران از محبوبیت بالایی برخوردار هستند. همچنین محرم تأثیرپذیری خود را از سعدی و حافظ اعلام میدارد و از ظرفیت غزل برای بیان عشق و توصیف‌های آن بهره میگیرد که خود نشان از علاقه و توانمندی محرم در سرودن این قالب شعری است.

محرم در بیتی از توانایی خود با یادکرد غزل سعدی تعریف میکند:

شَعْرِ شِيْرِيْن تُو، اَرَبَابِ سَخْنِ رَا
دَر نَظْر، چَوْن غَزْلِ سَعْدِي شِيْرَازِ اَيْد
(محرم کرمانشاهی، ۱۳۹۸، ص ۴۵)

و در بیتی دیگر توانایی‌اش را با تضمینی از حافظ اعلام میدارد:

قَبُوْلِ عَامِ بُوْدِ شَعْرِ دَلْكَشِ مَحْرَمِ
«گرت مدام میسر شود زهی توفیق»
(همان، ص ۶۶)

محرم غزلیاتش را به پیروی و استقبال از غزلیات سعدی و حافظ سروده است که در ادامه به دو نمونه اشاره میکنیم.

غزل سعدی با مطلع:

تن آدمی شریف است به جان آدمیت نه همین لباس زیباست نشان آدمیت
(کلیات سعدی، مواضع، ص ۷۹۰-۷۸۹)

این غزل سعدی در نه بیت بر وزن فعلات فاعلاتن فعلات مثمن مشکول با مضمونی اخلاقی و پندآموز درباره جایگاه والای انسانی سروده شده است. قافیه‌های غزل؛ جان، نشان، میان، جهان، زبان، مکان، روان، مکان، طیران و بیان هستند. محرم نیز غزل ذیل را در نه بیت با همان وزن، قافیه و مضمون غزل سعدی به اقتفا و استقبال او سروده است:

اگر آدمی، سخن گو به زبان آدمیت که هم آدمی برد پی به بیان آدمیت
ملکوت می‌باید که کند خبر ز جانش سخنی که می‌براید به زبان آدمیت
به حیات جاودانی دمی از جهان فانی بودت اگر مکانی به جهان آدمیت
رسی از سراچه گل به مقام قرب منزل رهی ار به دست آری ز مکان آدمیت
قدم از کمند شهوت به درآر حیف باشد که اسیر دیو ماند تن و جان آدمیت
بطلب ز دل طهارت نه ز منصب امارت که بود همان عبادت، ز نشان آدمیت
به لباس و قد رعنا که به ظاهرند زیبا نتوان شد آگه از راز نهن آدمیت
ز هوی اگر گذشتی، ز یک آشیانه بینی طیران مرغ عرش و طیران آدمیت
هنر و کمال «محرم» به کف آر، ورنه فرقی نبود میان حیوان و میان آدمیت
(محرم کرمانشاهی، ۱۳۹۸، ص ۱۸)

حافظ با مطلع:

اگر رفیق شفیقی درست‌پیمان باش حریف حجه و گرمابه و گلستان باش
(حافظ، غزل ۲۶۵)

این غزل حافظ در نه بیت بر وزن مفاعلهن فعلاتن مفاعلهن فعلن و در بحر مجتث مثنی مخبون محذوف با مضمونی اخلاقی و عاشقانه سروده شده است. قافیه‌های غزل؛ درست‌پیمان، گلستان، پریشان، حیوان، غزل‌خوان، سلطان، پشیمان، خندان، دوران و حیران هستند. محرم نیز غزل ذیل را در نه بیت با همان وزن، قافیه و مضمون غزل حافظ به اقتفا و استقبال او سروده است:

بلا ز جان، به سر عهد عشق جانان باش شکست خویش مخواه و درست‌پیمان باش
اگر عزیز می‌صرت در آرزویت هست بسان یوسف، عمری مقیم زندان باش
مباش غره به دنیا و عرض خویش مبر گدای همت خود باش، به ز سلطان باش
جهان فقر بود حشمت سلیمانی بیا و در طلب حشمت سلیمان باش
گرفته‌ای به ضرورت مکان چو در ظلمات بسان خضر، طلبکار آب حیوان باش
صلاح خویش اگر جویی و طریق نجات ز راهزن، امل خویش را نگهبان باش
تفاوتی نکند عشق در بهار و خزان جمال دوست به یاد آر و در گلستان باش
کمال مجد و شرف در ره سخندانی‌ست پذیره قدم مردم سخندان باش

برآر «محرّم» خود را، ز بند ردّ و قبولِ خاطرِ آزادگانِ دورانِ باش!
(محرّم کرمانشاهی، ۱۳۹۸، ص ۶۵)

۸. نتیجه‌گیری

محرّم کرمانشاهی یکی از شاعران توانمند و خوش‌ذوق جریان بازگشت ادبی است که زبان شعری وی روان، دلنشین، پخته و متأثر از سبک عراقی است و غزلیاتش را به پیروی و استقبال از غزلیات سعدی و حافظ سروده است. زبان شعری محرّم، روان و دلنشین و عناصر شعری وی کهن است و البته ویژگیهای معمولی دارد که در کلام بیشتر شاعران دیده میشود. همچنین سرشار از واژه‌های عربی متداول است. در لایه بلاغی، توجهی ویژه در به‌کارگیری صنایع بیانی و بدیعی داشته است. وی شاعری احساساتی و تصویرگرا است؛ وجود بیش از چهارصد نمونه تشبیه، که برجسته‌ترین عنصر هنری و پُربسامدترین صورت خیال در سروده‌های وی است، گواه این مدّعا است. اگرچه او، مقلّد و متأثر از شاعران سبک عراقی، به‌ویژه حافظ و سعدی است و در غزلیاتش ابداع و ابتکار کمتر دیده میشود؛ اما در تصویرپردازیهای شعری توانمند است و در به‌کارگیری دانشهای بلاغی از جمله انواع تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز، تناسب، انواع جناس، تلمیح، انواع ایهام، تکرار، تضاد و متناقض‌نما، و آفرینش تصاویر برای بیان اهداف خویش، که غالباً عشق و توجه به جایگاه بلند معشوق است، از قدرت ذهنی بالایی برخوردار است و با هنرمندی زینت‌بخش غزلیاتش شده است. به‌کارگیری این صنایع نشان از علاقه‌مندی محرّم و آگاهی وی از سنت‌های ادبی و کدوکاو و مطالعه وی در آثار گذشتگان است. از نظر لایه فکری، محرّم شاعر عشق و غزل است و قالب غزل در دیوان اشعارش سبب شده است که برجسته‌ترین موضوع و درونمایه اصلی سروده‌های وی بر محور عشق و سوزوگدازها و توصیف‌های عاشقانه باشد و این قالب شعری با به‌کارگیری دانشهای بلاغی، ظرف مناسبی برای بیان مقاصد شاعر و تقویت زبان شاعرانه وی گردیده است. در مجموع عشق و مضامین عاشقانه، مضامین عارفانه و قلندرانه و مضمونهای تعلیمی و اخلاقی از ویژگیهای فکری سروده‌های محرّم کرمانشاهی است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله با مشارکت آقای دکتر محمد ایرانی و آقای سجاد غلامی انجیرکی نوشته شده و حاصل تلاش هر دو پژوهشگر میباشد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب سپاسگزاری خود را از کارکنان گروه محترم زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه اعلام نمایند.

عدم تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض

احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را برعهده میگیرند.

REFERENCE

- Anvri, Hasan. (2004). The culture of speech irony. 2 volumes, Tehran: Sokhn.
- Javedani, Mirza Asadullah. (2018). Diwan poems of Mahram of Kermanshahi. by the efforts of Farshid (Yadullah) Yousefi. Kermanshah: Mahtab Gharb.
- Hafez, Shamsuddin Mohammad. (1999). Hafez to Sae Sae. Edited by Amirhoshang Ebtahaj, Tehran: Karnameh.
- Heydari, Fatemeh and others. (1403). "Layered stylistics of the book "Councils" by Jalaluddin Atiq Tabrizi". Scientific Journal of Persian Poetry and Prose Styloogy (former Bahar Adeb). Year 17, Number 8, Serial Number 102, pp. 245-231.
- Hirat Sajadi, Seyyed Abdul Hamid. (1996). Persian-speaking Kurdish poets, Tehran: Ehsan Publishing House.
- Saadat, Ismail and others. (2006). Encyclopedia of Persian language and literature. 6 volumes. Under the supervision of Ismail Saadat, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Saadi, Sheikh Mosleh bin Abdullah. (2007). Generalities of Saadi. To the attention of Mohammad Ali Foroughi. Tehran: Amir Kabir.
- Shafii Kadkani, Mohammad Reza. (2011). Imagination images in Persian poetry. Tehran: Agah.
- Shafii Kodkani, Mohammad Reza. (2011). Poetry music. Thirteenth edition, Tehran: Agah.
- Shamisa, Cyrus. (2007). A fresh look at the novel. Tehran: Mitra Publishing.
- Shamisa, Cyrus. (2009). Poetry stylistics. Tehran: Mitra Publishing.
- Fotuhi Roudmejni, Mahmoud. (2011). Styloogy of theories, approaches and methods. Tehran: Sokhn.
- Farshidvard, Khosrow. (2003). Today's detailed order. Tehran: Sokhn.
- Alavi Moghadam, Mohammad. Ashrafzadeh, Reza. (2008). Meanings and expression. Tehran: Samt.
- Mohammadiafshar, Houshang. Shayan Mehr, Kobra. (2016). "Layered Stylistics of Qaiser Aminpour's Poems", Journal of Sustainable Literature, Year 9. Number 16, pp. 259-281.
- Mortezaei, Javad. (2006). From the spiritual music of Hafez. Tehran: Avaye Noor.
- Mozaffari, Alireza. (1996). "Images of Khayal in Diwan Hafez", under the guidance of Dr. Mohammad Javaid, Ph. D. thesis on Persian language and literature, Ferdowsi University of Mashhad.
- Homai, Jalaluddin. (2010). Rhetoric techniques and literary industries, Tehran: Ahura.

فهرست منابع فارسی

انوری، حسن. (۱۳۸۳). فرهنگ کنایات سخن. ۲ جلدی، تهران: سخن.

جاویدانی، میرزا اسدالله. (۱۳۹۸). دیوان اشعار محرم کرمانشاهی. به کوشش فرشید (یدالله) یوسفی. کرمانشاه: ماهتاب غرب.

- حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۷۸). حافظ به سعی سایه. به تصحیح امیر هوشنگ ابتهاج، تهران: کارنامه.
- حیدری، فاطمه و دیگران. (۱۴۰۳). «سبک‌شناسی لایه‌ای کتاب «مجالس» جلال‌الدین عتیق تبریزی». نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار/ادب سابق). سال ۱۷، شماره ۸، شماره پی در پی ۱۰۲، صص ۲۴۵-۲۳۱.
- حیرت سجادی، سید عبدالحمید. (۱۳۷۵). شاعران گرد پارسی‌گوی، تهران: نشر احسان.
- سعادت، اسماعیل و دیگران. (۱۳۸۴). دانش‌نامه زبان و ادبیات فارسی. ۶ جلدی. به سرپرستی اسماعیل سعادت، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- سعدی، شیخ مصلح بن عبدالله. (۱۳۸۶). کلیات سعدی. به اهتمام محمدعلی فروغی. تهران: امیرکبیر.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۱). صور خیال در شعر فارسی. تهران: آگه.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۱). موسیقی شعر. چاپ سیزدهم، تهران: آگه.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۶). نگاهی تازه به بدیع. تهران: نشر میترا.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۸). سبک‌شناسی شعر. تهران: نشر میترا.
- فتوحی رودمجنی، محمود. (۱۳۹۱). سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها. تهران: سخن.
- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۲). دستور مفصل امروز. تهران: سخن.
- علوی‌مقدم، محمد. اشرف‌زاده، رضا. (۱۳۸۷). معانی و بیان. تهران: سمت.
- محمدی‌افشار، هوشنگ. شایان‌مهر، کبری. (۱۳۹۶). «سبک‌شناسی لایه‌ای مجموعه اشعار قیصر امین‌پور»، نشریه ادبیات پایداری، سال ۹، شماره ۱۶، صص ۲۸۱-۲۵۹.
- مرتضایی، جواد. (۱۳۸۵). از موسیقی معنوی حافظ. تهران: آوای نور.
- مظفری، علیرضا. (۱۳۷۵). «صور خیال در دیوان حافظ»، به راهنمایی دکتر محمد جاوید، رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- همایی، جلال‌الدین. (۱۳۸۹). فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: اهورا.

معرفی نویسندگان

سجاد غلامی انجیرکی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

(Email: Sajad.gholami@razi.ac.ir) (نویسنده مسئول)

(ORCID: 0009-0001-6452-9005)

محمد ایرانی: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

(Email: m.irani@razi.ac.ir)

(ORCID: 0000-0002-1319-3708)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Sajjad Gholami Anjiraki: PhD student in the Department of Persian Language and Literature, Razi University, Kermanshah, Iran.

(Email: Sajad.gholami@razi.ac.ir:Responsible author)

(ORCID: 0009-0001-6452-9005)

Mohammad Irani: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Razi University, Kermanshah, Iran.

(Email: m.irani@razi.ac.ir)

(ORCID: 0000-0002-1319-3708)